



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



مرور زمان کیفری

« چگونگی مشروعیت و فلسفه آن »



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تعریف. - مرور زمان عبارت از گذشتن مدتی است که بموجب قانون پس از انقضای آن مدت تعقیب جرم و یا اجرای حکم قطعی کیفری موقوف می‌شود؛ به عبارت دیگر هر گاه رسیدگی به جرم و یا اجرای حکم قطعی کیفری مدت معینی به عهده تعویق افتد، دیگر به آن جرم رسیدگی نشده و حکم قطعی در آن خصوص به موقع اجراء گذاشته نمی‌شود. در اینصورت می‌گویند جرم مشمول مرور زمان شده است.

در این مختصر، مرور زمان کیفری از دو جهت مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف - چگونگی مشروعیت مرور زمان؛ ب - فلسفه مرور زمان.

الف - چگونگی مشروعیت مرور زمان

اکثریت فقهای شورای نگهبان مرور زمان در امور حقوقی را مغایر شرع تشخیص داده‌اند. (۱) مراجع کیفری، نظریه شورای نگهبان را که صرفاً مربوط به مسائل حقوقی است به امور و موضوعات کیفری نیز تسری می‌دهند و قوانین مرور زمان کیفری را منسوخ می‌پندارند.

۱ - نظریه شماره ۷۲۵۷ مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۷ شورای نگهبان.

کمیسیون سابق استفتائات شورای عالی قضائی و اداره حقوقی قوه قضائیه (۱) هم هر یک به نوبه خود و به کرات به منسوخ بودن قوانین مرور زمان کیفری اظهار نظر کرده‌اند. در نتیجه؛ دادرها و دادگاههای جمهوری اسلامی ایران، مرور زمان کیفری را مورد توجه قرار نمی‌دهند و به کلیه جرمهای ارتكابی بدون ملاحظه تاریخ وقوع آن، رسیدگی می‌کنند و حتی عده‌ای بحث و گفتگو در چگونگی مشروعیت مرور زمان را بیهوده می‌دانند.

اما حقیقت غیر از اینهاست؛ زیرا روش مراجع کیفری تحت نفوذ مسائل سیاسی - اجتماعی حاکم بر جامعه بوجود آمده و برپنداری مخدوش متکی است. نظریه‌های مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه و کمیسیون استفتائات سابق شورای عالی قضائی نیز مبنای درست و سوجهی ندارند. در هیچیک از نظریه‌های مراجع یاد شده دلیل منطقی و قانع کننده‌ای بر نسخ مرور زمان کیفری و یا مغایرت مطلق آن با موازین شرعی بیان نشده است. (۲)

با توجه به مراتب یاد شده و با عنایت به نقش مهم و ارزنده‌ای که تأسیس حقوقی مرور زمان در فصل پرونده‌های کیفری دارد، نمی‌توان چنین قوانین مهم و حساسی را با توجیها نامناسب و نسنجیده از چشم دور داشت و بدون مداخله

۲ - استدلال اداره حقوقی قوه قضائیه در مورد نسخ قوانین مربوط به مرور زمان کیفری بسیار ضعیف و نارساست. بعنوان مثال: «چون در قانون جزای اسلامی نه تنها مرور زمان پیش بینی نگردیده بلکه فصل نهم قانون مذکور در باب تخفیف مجازات، جایگزین فصل نهم در تخفیف مجازات و سقوط تعقیب قانون مجازات عمومی شده است، لذا بنظر مادترین ۴۸ و ۴۹ قانون مجازات عمومی بطور ضمنی نسخ شده است» نظریه مشورتی شماره ۷۶۴۵ مورخ ۱۳۶۴/۲/۱۰.

۳ - آقای دکتر محسن شفا ئی در کتاب اسلام و مرور زمان ضمن بحث در اطراف مرور زمان کیفری از نظر اسلام چنین نتیجه گرفته‌اند: «امتناع از رسیدگی در امور کیفری را در موارد شمول مرور زمان شرعاً و با توجه به احتمال توبه و ندامت مجرم خارج از جواز شرعی نمی‌توان دانست؛ زیرا در موارد احتمال به اینکه مجرم توبه کرده است، حد جاری نمی‌شود چون، توبه قاعده تدریجاً الحدود بالشبهات جاری است و حد اجراء نخواهد شد.» ص ۲۱۶ و ۲۱۵.

مقنن و یا احراز دقیق مغایرت آن با قوانین شرع، به منسوخ بودن آن فتوی داد
و از فوائد عملی آن منصرف گردید .

در مورد بقاء قوانین مرور زمان کیفری و مشروعیت آن، در قلمرو قوانین
عرفی می‌توان چنین گفت :

یک - دقت در متن نظریه شورای نگهبان به خوبی می‌رساند که نظریه مزبور
مربوط به مرور زمان امور حقوقی و مدنی است و ارتباطی به مسائل کیفری ندارد؛
زیرا چنانچه فقهای شورای نگهبان در خصوص مرور زمان کیفری نظر خاصی
داشتند به حکم وظیفه دینی و قانونی خود می‌بایست آن‌را هم اعلام می‌کردند .^(۴)
دو - برای اعمالی از قبیل صدور چک بلامحل، عبور غیرمجاز از مرز، جعل
اسناد، تخلفات رانندگی، خرید و فروش ارز، صید و شکار غیر مجاز، قاچاق
مواد مخدر ثبت ملک غیر، معامله معارض، فروش مال غیر، حمل اسلحه بدون

ع - نظریه شماره ۷۲۵۷ مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۷ شورای نگهبان در پاسخ به استعلام
شماره ۱/۵۰۶۶۵ مورخ ۱۳۶۱/۱۰/۲۷ شورای عالی قضائی ابراز گردیده است . متن
استعلام و پاسخ آن به شرح زیر است :

الف - پرسش شورای عالی قضائی : « آیا عدم سماع دعوای طلب و دین در دادگاه
با توجه به ماده ۷۳۱ و ... در باب مرور زمان از قانون آئین دادرسی مدنی و ماده ۱۲
از قانون آئین دادرسی کیفری مخالف با موازین شرع است یا خیر ؟ »

توضیحاً یادآور می‌شود ماده ۱۲ ق . آ . د . ک ارتباطی به مرور زمان ندارد . شاید
در تهیه متن نامه مذکور اشتباه رخ داده باشد . بهر حال بند ۴ ماده ۸ قانون مزبور اشاره
به مرور زمان جرائم عرفیه دارد ولی حکم مرور زمان کیفری در مواد ۴ تا ۵ قانون
مجازات عمومی آمده است .

ب - پاسخ فقهای شورای نگهبان : « ... مواد ۷۳۱ قانون آئین دادرسی مدنی به بعد
در مورد مرور زمان در جلسه فقهای شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت
و به نظر اکثریت فقهای شورا مواد مزبور که مقرر می‌دارد پس از گذشتن مدتی (ده سال -
بیست سال - یکسال و غیره) دعوا در دادگاه شنیه نمی‌شود، مخالف با موازین شرع
تشخیص داده شد . »

پروانه ، خرید و فروش برده، دفن غیر مجاز اجساد، ازدواج مجدد، طلاق غیررسمی و صدها بزه دیگر که از طرف شارع درباره آنها مجازاتی تعیین نشده است و بخش مهم بزهکاریهای جامعه امروزی را تشکیل می دهند، پذیرش مرور زمان فاقد اشکال شرعی است؛ زیرا این نوع مجازاتها را مجلس شورای ملی سابق و با مجلس شورای اسلامی حاضر وضع کرده و یا می نماید و مربوط به حق حاکمیت است . این امور جنبه شرعی و مذهبی در معنای خاص کلمه ندارند تا عدم اجرای آن مخالف مقررات اسلامی باشد .

اگر قبول داریم که مجلس قانونگذاری حق وضع مجازات را دارد و می تواند برای اعمال افراد کیفر تعیین کند، باید بپذیریم که حق اسقاط و عدم اجرای آن را نیز داراست . مثلاً وقتی قوه مقننه می تواند مقرر کند که عبور وسیله نقلیه از چراغ قرمز راهنمایی و رانندگی پنجاه هزار ریال جریمه دارد، باید بتواند اعلام نماید که اگر این جریمه ظرف یکسال پرداخت نشد، دیگر وصول نشود. یا اگر مجلس قانونگذاری حق دارد صدور چک بلامحل را جرم بشناسد و برای مرتکب آن مجازات تعیین کند، چرا نباید این اختیار را داشته باشد که برای اجرای مجازات شرایطی تعیین نماید و فی المثل بگوید : « . . . در صورتیکه دارنده چک تا ششماه از تاریخ صدور چک برای وصول آن به بانک مراجعه نکند یا ظرف ششماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت شکایت ننماید، دیگر حق شکایت کیفری نخواهد داشت . . . » (۵)

مجازاتهای مذکور از طرف شارع تعیین نشده است تا قابل لغو، تعلیق و اسقاط نباشد . بلکه از طرف قوه مقننه وضع گردیده است . لازمه داشتن اختیار و صلاحیت برای وضع مجازات، داشتن اختیار برای اسقاط آن نیز هست . معقول نیست که بگوئیم مجلس قانونگذاری حق دارد از برای اعمالی که شارع نسبت به آنها مجازات خاصی تعیین نکرده است کیفر وضع کند، اما حق نداشته باشد آن را لغو و یا در شرایطی اسقاط نماید . چنین تحدید اختیاری نه در قانون

۵- ماده ۱۰ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵

اساسی آمده است و نه در شرع . (۶)

سه - مقررات قانون مجازات عمومی در خصوص سقوط مجازاتها بعلت مرور

۶ - اداره حقوقی قوه قضائیه ، در سالهای اخیر از نظر قبلی خود عدول کرده و به استناد نظریه کمیسیون قوانین جزائی اعلام داشته است :

۱ - در قانون راجع به مجازات اسلامی ذکری از مرور زمان نشده و مقررات قانون مجازات عمومی در خصوص مرور زمان نسبت به مجازاتهای عرفیه نسخ نشده است، نه صریحاً و نه ضمناً، و عدم ذکر مسئله در قانون راجع به مجازات اسلامی به معنای نسخ آن نیست ، چنانکه مسائل دیگری هم در قوانین مصوبه مجلس شورای اسلامی نیامده است و در مورد آنها به قانون مجازات عمومی عمل می‌شود مانند مقررات مربوط به شرکت در منازعه و ماده ۱۷۵ مکرر آن قانون .

۲ - ققهای شورای نگهبان فقط در خصوص مرور زمان در دعای مدنی اظهار نظر بر مخالفت آن با شرع نموده‌اند و در مورد جزائیات و مرور زمان در آنها اظهار نظر نکرده‌اند .

۳ - آنچه بنا بر قول مشهور فقها مشمول مرور زمان نمی‌شود عبارتست از :

الف - حقوق مالی اشخاص .

ب - حدود، قصاص، دیات و تعزیراتی که نوع و مقدار آنها از طرف شارع معین گردیده است .

۴ - مجازاتهای عرفیه که برای حفظ نظم در جامعه وضع می‌شود ابقاء و اسقاط آنها در اختیار واضح آنهاست . مثلاً اگر مجلس برای مصالح اجتماعی و حفظ نظم، عملی را مستوجب مجازات و جرم اعلام نماید می‌تواند شرایط تعیین و اجراء مجازات یا سقوط آن را هم به لحاظ همان مصالح تعیین کند و در این موارد چون شروعیت مجازات به علت جعل آن از طرف حکومت اسلامی است، لذا چنانچه واضح مجازات شرایطی برای سقوط آن مقرر دارد و آن شرایط محقق شود اجراء مجازات نمی‌تواند شروع باشد .

۵ - چون مرور زمان مذکور در قوانین آئین دادرسی کیفری و مجازات عمومی مربوط به مجازاتهای عرفیه یعنی مجازاتهای مقرر از طرف حکومت برای حفظ نظم است و در حقیقت چیزی جز سقوط مجازات با تحقق شرایط قانونی آن نیست و شامل حدود و قصاص و دیات و تعزیراتی که نوع و میزان آنها از طرف شارع مقدس تعیین گردیده است نمی‌شود و ققهای شورای نگهبان هم آن را مخالف شرع اعلام نکرده‌اند و صریحاً یا ضمناً نیز نسخ نشده است، قانوناً باقی است و مقررات مربوط به آن لازم‌الاجراء می‌باشد .» نظریه مورخ ۱۳۶۶/۱۰/۲۶ کمیسیون قوانین جزائی .

زمان، در هیچیک از قوانین موضوعه سملکتی بطور صریح و یا ضمنی نسخ نشده است تا بتوان تأسیس حقوقی مرور زمان را از بین رفته پنداشت. (۷)

چهار - باید دانست که جهان امروزی، دنیای مرور زمان هاست. بدون تعیین مهلت، قبول تقاضاها، تعقیب‌ها، پذیرش‌ها، نظم جامعه را مختل می‌کند. در بسیاری از قوانین موضوعه امروزی که به تأیید شورای نگهبان نیز رسیده است به نحوی تعیین مهلت‌هایی دیده می‌شود که خود نوعی مرور زمان است.

ب - فلسفه مرور زمان

دیدگاه‌های حقوقدانان - درباره مرور زمان کیفری دو نظریه متفاوت وجود دارد: گروهی از علمای حقوق جزا موافق این تأسیس حقوقی بوده و برای حسن اجرای عدالت کیفری آن را لازم می‌دانند. در مقابل گروه دیگر که در رأس آنان می‌توان علمای مکتب تحقیقی را نام برد با مرور زمان کیفری نظری موافقی ندارند و آن را برای حفظ نظام جامعه مضر و حتی خطرناک می‌پندارند.

هر دو گروه برای دفاع از عقاید خود دلایلی دارند. برای روشنی بیشتر موضوع مورد بحث، دلایل موافقان و مخالفان بطور جداگانه مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرند.

دلایل موافقان. - طرفداران مرور زمان کیفری نظریه خود را با دلایل زیر توجیه می‌کنند:

الف - گذشت زمان خاطرات انسان را ضعیف‌تر و تاریک‌تر می‌کند و حتی ممکن است آنها را دستخوش فراموشی سازد. خاطره ملال‌انگیز جرم مانند سایر پدیده‌های اجتماعی و تأثرات و تألمات روحی در اثر گذشت زمان به بوته نسبیان سپرده می‌شود. تعقیب متهم خاطره حزن‌انگیز و فراموشی شده جرم را دوباره

۷ - بعلاوه سراج کیفری نیز به نوبه خود در بعضی موارد به مرور زمان کیفری استناد می‌کنند؟ مثلاً هرگاه دارنده چک بلا محل ظرف ششماه در مقام شکایت بر نیاید دیگر شکایت کیفری او را نمی‌پذیرند. همچنین در اعمال و اجرای بعضی از مقررات مربوط به تعلیق تعقیب و تعلیق اجرای مجازات و اعتراض به احکام غیابی و غیره که در آنها نوعی مرور زمان وجود دارد تردیدی نمی‌کنند.

زنده می‌کند و این مخالف مصلحت اجتماع است . باید از تعقیب بزهدکار صرفنظر گردد تا خاطره ملال‌آور جرم دوباره احیاء نشود .

ب - فکر تحمل مجازات موجب می‌شود تا بزهدکار در دورانی که آن را مدت مرور زمان می‌گوئیم همیشه و در همه حال با ترس و وحشت به سر برده و راحت و آرامش روحی خود را از دست بدهد . چنانچه این دوران طولانی‌تر و متناسبتر با قبح و خطر اجتماعی بزه ارتكابی باشد، خود نوعی مجازات و تنبیه خواهد بود . با اعمال قهری این کیفیت، دیگر نیازی به مجازات بعدی نیست .

ب - ترس از کیفر چنانچه به درازا کشد می‌تواند موجبات تهذیب اخلاق و رفتار متهم را فراهم نماید . او را به فکر و اندیشه و امیدارد و موجب تنبیه‌اش می‌شود . کیفر دادن چنین فرد اصلاح شده فاقد نتیجه مطلوب است و هیچیک از هدفهای اعمال مجازات را تأمین نمی‌کند و ثمری بیار نمی‌آورد . در نتیجه بهتر است که از اجرای این مجازات غیر مفید صرفنظر گردد .

ت - عدم تعقیب و مجازات تبه‌کار در مدت زمان طولانی دلیل ضعف و عدم توانائی سازمانهای دادگستری است . تعقیب جرم بعد از گذشت سالیان متمادی نشانگر قصور اولیای جامعه در انجام وظایف محوله می‌باشد ؛ و اعتماد افراد جامعه را از گردانندگان اجتماع سلب می‌کند و یأس و بدبینی می‌آفریند .

ث - بعد از گذشت زمان نسبتاً طولانی جامعه حق خود را در تعقیب بزهدکار از دست می‌دهد؛ زیرا به موقع و در زمانی که لازم و مفید بوده آنرا اعمال نکرده است . وضع جامعه در این رهگذر بی‌شبهت به وضع طلبکاری نیست که ظرف مدت معین در مقام مطالبه طلب خود بر نمی‌آید (مرور زمان مسقط) .

ج - بعد از گذشت زمان بالنسبه طولانی آثار و دلایل جرم از بین می‌رود و جمع‌آوری آنها غیر ممکن و یا لااقل مشکلتر می‌شود . در طی مدت مرور زمان نه تنها اغلب آثار و علائم مادی جرم از بین می‌رود، بلکه دلایل باقیمانده نیز ارزش واقعی خود را از دست می‌دهد . شهادت شهود نیز بعلت گذشت زمان

و به لحاظ فراموشکار بودن انسانها غالباً نمی‌تواند مبین واقعیت و حقیقت باشد تا بتوان بر مبنای آن حکم عادلانه‌ای صادر کرد .

دلایل مخالفان .- مرور زمان کیفری مورد انتقاد شدید عده‌زیادی از عالمان حقوق جزا به ویژه جرم‌شناسان قرار گرفته است . بکاریا و بتنام این تأسیس حقوقی را مخالف قاطعیت اجرای مجازاتها می‌دانند . علمای مکتب تحقیقی آن را برای اسنیت جامعه و حقوق افراد مضر تشخیص داده‌اند و برای اثبات نظریه خود بشرح زیر استدلال می‌کنند :

۱ - هر چند گذشت زمان اغلب خاطره‌های انسانها را از بین می‌برد و به بوته فراموشی می‌سپارد، ولی بعضی از خاطره‌ها آنچنان در روح و روان اثر می‌گذارد که تا آخرین لحظات زندگی باقی می‌ماند . ارتکاب جرم از جمله خاطره‌های بسیار مهم هر انسانی بشمار می‌آید که بندرت دستخوش فراموشی می‌گردد .

۲ - ترس از تعقیب و مجازات یک ضمانت اجرای معنوی است؛ میزان تأثیر آن در اصلاح مجرم و چگونگی تنبه بزهکار هنوز از نظر علمی معلوم و مشخص نشده است؛ وانگهی برای برخی از بزهکاران ترس از مجازات و هراس از کیفر معنی و مفهومی ندارد .

۳ - قصور اولیاء جامعه در تعقیب بزهکار، در مدت معین، دلیل بر این نمی‌شود که مجرم در زمان فراهم شدن امکانات و مقدمات نیز تحت تعقیب قرار نگیرد و همچنان بلامجازات باقی بماند .

۴ - قبول مرور زمان نه تنها نفعی برای اجتماع ندارد؛ بلکه از جهات مختلف دفاع جامعه را در برابر تبهکاران تضعیف می‌کند و قاطعیت اجرای مجازات را از بین می‌برد . مجرم به همان صورت خطرناک و اصلاح نشده در جامعه بسر می‌برد . قبول مرور زمان بویژه برای تبهکاران حرفه‌ای و اعتیادی امر خطرناکی است و بمنزله ترحم بر پلنگ تیزدندان می‌باشد .

نتیجه - با وجود انتقاد شدید علمای مکتب تحقیقی و جرم‌شناسان و استدلال تقریباً موجه آنان، قوانین اغلب کشورهای پیشرفته جهان این تأسیس حقوقی

را قبول کرده‌اند ؛ (۸) زیرا از نقطه نظر قضائی مرور زمان بک تأسیس حقوقی منطقی و اصولی بشمار می‌رود و چون بعد از گذشت مدت زمان طولانی تهیه و جمع‌آوری دلایل مشکل‌تر می‌شود و اشتباهات قضائی فزونی می‌یابد، (۹) لذا قبول مرور زمان کیفری ارزش و اعتبار بیشتری پیدا می‌کند .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- ۸ - در کشور انگلستان بموجب قوانین Common Law تعقیب جرم هیچوقت مشمول مرور زمان نمی‌شود . استغانی ولواسور : آئین دادرسی کیفری، ش ۱۱۶ .
- ۹ - بنظر پروفیسور بوزا، عدم امکان جمع‌آوری دلایل و آثار جرم است که مرور زمان دعوی عمومی را توجیه می‌کند . بوزا و پنیاتل : حقوق جزا و جرم شناسی ، ج ۲، ش. ۱۰۶